

Insult to Iranian Ethnicities, Divine Religions or Islamic Sects in Iranian Law; with an approach to the Penal System of the other Islamic Countries

Abbas Mohammad-Khani¹, Amir E'temadi²

1. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Ilam University, Iran, Ilam, (corresponding author), Email: a.mohammadkhani@ilam.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, University of Qom, Iran, Qom, Email: am.etemadi@gmail.com

Abstract

In 2010, the Iranian legislature added article 499 repeated to the 1996 *Taezirat* Act, and based on that, they criminalized insult to Iranian ethnicities and official religions and sects stipulated in the Iranian Constitution. Although cases of insulting and attacking religions or their religious rituals are also found in the penal laws of other Islamic countries, a careful examination of the said article shows that, apart from the fact that passing of such an article in its current form, especially in the context of insulting ethnicities, is unnecessary and could lead to many false claims, the text of the said article is also ambiguous and has the potential for conflicting interpretations, which will ultimately lead to harm to the rights of individuals. The most important ambiguity of the aforementioned article concerns the definition of Iranian ethnicities and the criteria for their identification, which is considered one of the most complex concepts in sociology. The concepts of violence and tension mentioned in the above article also lack the necessary clarity and are subject to criticism. Also, given that the philosophy of criminalizing insult to religions and sects is to prevent violence and tension in society, this matter should not be limited to insult to official religions and sects, and it is necessary for the Iranian legislator to criminalize insult to all religions and sects with the intent to create violence and tension.

Keywords: Article 499 repeated of the *Taezirat* Act, insult, religions, sects, Iranian ethnicities, penal laws of Islamic countries.

Received: 14/04/2025

Revised: 18/05/2025

Accepted: 25/06/2025

How To Cite: Mohammad-Khani, Abbas & E'temadi, Amir (2025). Insult to Iranian Ethnicities, Divine Religions or Islamic Sects in Iranian Criminal Law; with an approach to the Penal System of the other Islamic Countries, *Criminal Law Doctrines of Islamic Countries*, 2 (3), 118-140. <http://www.doi.org/10.22091/dcl.2025.12747.1071>

Published by: University of Qom

© The Author(s)

Article type: Research





توهین به قومیت‌های ایرانی، ادیان الهی و یا مذاهب اسلامی در حقوق ایران؛ با رویکردی به نظام کیفری دیگر کشورهای اسلامی

عباس محمدخانی^۱، امیر اعتمادی^۲

۱. استادیار گروه حقوق دانشکده علوم انسانی دانشگاه ایلام، ایران، ایلام، (نویسنده مسئول). رایانامه: a.mohammadkhani@ilam.ac.ir

۲. استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه قم، ایران، قم، رایانامه: am.etemadi@gmail.com

چکیده

قانون‌گذار ایران در سال ۱۳۹۹ به الحاق ماده ۴۹۹ مکرر به قانون تعزیرات ۱۳۷۵ مبادرت کرد و بر اساس آن توهین به قومیت‌های ایرانی و ادیان و مذاهب رسمی مقرر در قانون اساسی ایران را جرم شناخت. اگرچه مواردی از توهین و تعدی به ادیان یا مناسک مذهبی آن‌ها در قوانین کیفری کشورهای اسلامی دیگر نیز یافت می‌شود، دقت در ماده مزبور نشان می‌دهد که صرف‌نظر از اینکه تصویب چنین ماده‌ای به‌صورت حاضر خصوصاً در بحث توهین به قومیت‌ها فاقد ضرورت بوده و می‌تواند منجر به طرح دعاوی نادرست بسیاری شود، متن ماده مزبور نیز مبهم بوده و ظرفیت تفسیرهای متعارض را دارد؛ امری که درنهایت منجر به صدمه به حقوق افراد خواهد شد. مهم‌ترین ابهام ماده مزبور ناظر به تعریف قومیت‌های ایرانی و معیار تشخیص آن است که ازجمله پیچیده‌ترین مفاهیم جامعه‌شناسی محسوب می‌شود. مفاهیم خشونت و تنش ذکر شده در ماده فوق نیز فاقد شفافیت لازم بوده و قابل انتقاد است. همچنین، با توجه به اینکه فلسفه جرم شناختن توهین به ادیان و مذاهب، جلوگیری از خشونت و تنش در جامعه است، نباید امر مزبور منحصر در توهین به ادیان و مذاهب رسمی شود و لازم است که قانون‌گذار ایران توهین به تمامی ادیان و مذاهب را به قصد ایجاد خشونت و تنش جرم‌انگاری کند.

کلیدواژه‌ها: ماده ۴۹۹ مکرر قانون تعزیرات، توهین، ادیان، مذاهب، قومیت‌های ایرانی، قوانین کیفری کشورهای اسلامی.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۵

استناد: محمدخانی، عباس و اعتمادی، امیر (۱۴۰۴). توهین به قومیت‌های ایرانی، ادیان الهی و یا مذاهب اسلامی در حقوق ایران؛ با رویکردی به نظام کیفری دیگر کشورهای اسلامی، *آموزه‌های حقوق کیفری کشورهای اسلامی*، ۲ (۳)، ۱۴۰-۱۱۸. <http://www.doi.org/10.22091/dcllic.2025.12747.1071>



نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه قم

مقدمه

تردیدی نیست که زندگی مسالمت‌آمیز مردم در جامعه و پیشرفت شخصی و اجتماعی آنان، مستلزم احترام متقابل افراد به یکدیگر و زندگی در فضایی سالم و عاری از توهین و تحقیر است؛ لذا یکی از جرائم علیه شخصیت معنوی اشخاص، جرم توهین است. توهین واژه‌ای با ریشه عربی و هن است (البستانی، ۱۳۷۲: ۶۹۷) که در فارسی به معنای سست کردن، خوار و خفیف کردن و سبک داشتن آمده است (معین، ۱۳۸۷: ۳۶۱) و علاوه بر توهین عام مذکور در ماده ۶۰۸ قانون تعزیرات ۱۳۷۵، انواع خاصی متعددی مانند توهین به مقدسات، هجو و توهین به کارکنان حکومتی را شامل می‌شود. در سال ۱۳۹۹، قانون‌گذار ایران با تصویب ماده ۴۹۹ مکرر قانون تعزیرات، مورد دیگری را نیز به توهین‌های مشدد اضافه کرده است که می‌توان زیر عنوان توهین به قومیت‌های ایرانی و ادیان الهی و یا مذاهب اسلامی از آن یاد کرد.

در اسناد بین‌المللی نیز هر نوع توهین و برانگیختن احساسات مذهبی که منجر به ایجاد تشدد در جامعه شود، ممنوع دانسته شده است.^۱ به عبارت دیگر، هر چند که آزادی بیان از حقوق مسلم افراد جامعه است و در غالب اسناد مربوط به حقوق بشر هم به آن اشاره شده است،^۲ ولی این حق مطلق نبوده و در جایی که موجب خدشه به نظم و اخلاق عمومی شود^۳ و یا موجب برانگیختن احساسات قومی یا مذهبی گردد،^۴ با محدودیت مواجه می‌شود.^۵ اما با دقت در ماده ۴۹۹ مکرر قانون تعزیرات (الحاقی ۱۳۹۹) پرسش‌هایی به ذهن می‌رسد که تحقیق حاضر جهت پاسخ به آن‌ها شکل گرفته است. برای نمونه، منظور از قومیت‌های ایرانی چیست و معیار تشخیص یک قوم و تفکیک آن از اقوام دیگر کدام است؟ از طرف دیگر، چه تفاوتی بین قومیت و نژاد وجود دارد و مقیاس تمیز آن‌ها از یکدیگر چیست؟ همچنین، توهین به قومیت چه تفاوتی با توهین به اشخاص دارد؟ خشونت و تنش مذکور در ماده فوق که هم نتیجه جرم محسوب می‌شوند و هم لازم است که مورد قصد مرتکب قرار گیرند، به چه معنا

۱. ر.ک.: بندهای (ج) و (د) ماده ۲۲ اعلامیه حقوق بشر اسلامی قاهره مصوب ۵ اوت ۱۹۹۰.

۲. ر.ک.: مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل که آزادی بشر در بیان و عقیده را یکی از آرزوهای بزرگ بشریت می‌داند؛ و نیز مواد ۱۸ و ۱۹ همین اعلامیه. همچنین، ر.ک.: بند ۲ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل؛ بند ۵ اعلامیه کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر مصوب ۱۹۶۸ در تهران؛ و بندهای ۷ و ۸ قسمت (ج) ماده ۵ قرارداد بین‌المللی رفع هرگونه تبعیض نژادی مصوب ۲۱ دسامبر ۱۹۶۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد.

۳. قسمت (ب) بند ۳ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد.

۴. بند (د) ماده ۲۲ اعلامیه حقوق بشر اسلامی قاهره.

۵. ر.ک.: بندهای ۴ و ۱۱ اعلامیه حقوق بشر و شهروند مصوب ۲۶ اوت ۱۷۸۹ مجلس مؤسسان فرانسه.

هستند؟ در ادامه به بررسی موارد فوق پرداخته می‌شود و سعی در ارائه تفسیری خواهد شد که ابهام‌های ماده ۴۹۹ مکرر قانون تعزیرات (الحاقی ۱۳۹۹) را روشن گرداند. در این میان، نگاهی به قوانین کیفری برخی کشورهای اسلامی نیز خواهد شد تا از رهگذر این مطالعه تطبیقی بتوان پیشنهاد (های) مناسب‌تری ارائه کرد.

۱. عنصر قانونی توهین به قومیت‌های ایرانی، ادیان الهی و یا مذاهب اسلامی

قانون‌گذار در ماده ۴۹۹ مکرر قانون تعزیرات (الحاقی ۱۳۹۹) مقرر داشته است: «هر کس با قصد ایجاد خشونت یا تنش در جامعه و یا با علم به وقوع آن به قومیت‌های ایرانی یا ادیان الهی یا مذاهب اسلامی مصرح در قانون اساسی توهین نماید، چنانچه مشمول حد نباشد و منجر به خشونت یا تنش شده باشد به حبس و جزای نقدی درجه پنج یا یکی از آن دو محکوم و در غیر این صورت به حبس و جزای نقدی درجه شش یا یکی از آن دو محکوم می‌شود.» تبصره ۱ این ماده به تبیین مفهوم «توهین» و تبصره ۲ آن به ذکر عواملی پرداخته است که باعث تشدید مجازات توهین ارتكابی به میزان یک درجه می‌شود. این مقررها در بحث‌های بعدی بررسی می‌شوند.

در نظام کیفری کشورهای اسلامی دیگر، شامل لیبی، مصر، الجزایر و افغانستان نیز مواردی از توهین و تعرض نسبت به ادیان جرم‌انگاری شده‌اند که در تحلیل جرم مورد بحث به تناسب، به هرکدام از آن‌ها اشاره خواهد شد. در اینجا، باید افزود که گرچه جرم توهین از جرائم علیه شخصیت معنوی اشخاص است، قانون‌گذار ایران ماده فوق را ذیل فصل اول (جرائم ضدامنیت داخلی و خارجی کشور) از قانون تعزیرات ۱۳۷۵ آورده است، درحالی‌که در لیبی، جرائم مرتبط در باب جنایات علیه دین و شعائر دینی شناخته شده؛^۱ در مصر، در باب جرائم مذهبی و ضد تبعیض؛^۲ در الجزایر، در بخش تعديات به شرف و اعتبار اشخاص و زندگی خصوصی آن‌ها؛^۳ در افغانستان، در فصل اهانت به ادیان پیش‌بینی شده است و در نتیجه جنبه ضد امنیتی ندارد.

۲. عنصر مادی توهین به قومیت‌های ایرانی یا ادیان الهی یا مذاهب اسلامی

برخلاف سایر جرائم توهین، مفاد ماده ۴۹۹ مکرر قانون تعزیرات (الحاقی ۱۳۹۹) دلالت بر این دارد که توهین به قومیت‌های ایرانی و ادیان الهی و یا مذاهب اسلامی ممکن است از جرائم مقید به نتیجه نیز باشد. بنابراین، سه جزء رفتار مجرمانه، موضوع جرم و نتیجه جرم در عنصر مادی این جرم درخور بررسی است.

۱. الجرائم ضد الدين والشعائر الدينية المعترف بها.

۲. الجنح المتعلقة بالادیان ومكافحة التمييز.

۳. الاعتداءات على شرف واعتبار الأشخاص وعلى حياتهم الخاصة.

۲-۱. رفتار مجرمانه

رفتار مجرمانه در جرم مورد بحث همانا توهین (اهانت کردن) است. قانون‌گذار در تبصره ۱ ماده ۴۹۹ مکرر قانون تعزیرات (الحاقی ۱۳۹۹). مراد از توهین را موارد مندرج در قانون استفساریه نسبت به کلمات اهانت، توهین و یا هتک حرمت مصوب ۱۳۷۹ دانسته است.^۱ مطابق این ماده واحده: از نظر مقررات کیفری اهانت و توهین و... عبارت است از به کار بردن الفاظی که صریح یا ظاهر باشد و یا ارتکاب اعمال و انجام حرکاتی که با لحاظ عرف جامعه و با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی و موقعیت اشخاص موجب تخفیف و تحقیر آنان شود و با عدم ظهور الفاظ توهین تلقی نمی‌گردد.

این رویکرد قابل تأیید است، زیرا برشمردن مصادیق توهین در متن قانون قابل تصور نیست. قانون‌گذار تنها باید مفهوم توهین را جرم‌انگاری کند و این قاضی است که با استفاده از عرف، رفتار یا گفتار توهین‌آمیز را شناسایی نماید. بدیهی است که در حقوق کیفری به دلیل رعایت اصل قانونی بودن جرم و مجازات، نمی‌توان رفتاری مباح را با استناد به عرف، جرم انگاشت؛ اما در صورتی که قانون‌گذار رفتاری را مجرمانه اعلام نماید، قاضی برای تشخیص مصادیق آن رفتار، گاه چاره‌ای جز رجوع به عرف نمی‌یابد. توهین از زمره همین جرائم است. اما عرف نیز در تشخیص توهین‌آمیز بودن یک گفتار یا رفتار، اعمال، حرکات و سخنانی را که منجر به سبک و خوار کردن انسان باشد، اهانت محسوب می‌نماید (محمدخانی، ۱۳۹۹: ۷). همچنین، با توجه به تفاوت عرف در فرهنگ‌های مختلف که خود زائیده زمان، مکان، قومیت، مذهب، گذشته و به‌طور کلی فرهنگ آن‌هاست، توهین نیز در هر کدام از چارچوب‌های گفته شده، مصادیقی متفاوت می‌یابد و چه بسا رفتاری که در یک منطقه، شهر یا کشور توهین‌آمیز تلقی می‌شود، در منطقه، شهر یا کشور دیگری رفتاری مؤدبانه و نشانه‌ای از احترام به شمار آید. از این رو، قاضی باید در تشخیص رفتار توهین‌آمیز، عرف محل را در نظر گیرد و تنها در صورتی که رفتار یا گفتار مرتکب از نظر عرفی موهن باشد، رفتار مجرمانه توهین را محقق بداند (محمدخانی، ۱۳۹۹: ۸-۷).

بنابراین، مراد از رجوع قاضی به عرف، صرف بررسی عرفی رفتار نیست و لازم است که رفتار مرتکب با در نظر گرفتن مکان، زمان، شخصیت طرفین و نحوه انجام عمل مورد توجه قرار گیرد (پاد، ۱۳۸۵: ۲۹۰) و لذا علاوه بر

۱. تبصره ۱ ماده ۴۹۹ مکرر قانون تعزیرات (الحاقی ۱۳۹۹): منظور از «توهین»، همان موارد مندرج در «قانون استفساریه نسبت به کلمه اهانت، توهین و یا هتک حرمت مندرج در مقررات جزایی مواد (۵۱۳)، (۵۱۴)، (۶۰۸) و (۶۰۹) قانون مجازات اسلامی و بندهای (۷) و (۸) ماده (۶) و مواد (۲۶) و (۲۷) قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۴» است.

لزوم درج رفتار توهین‌آمیز در حکم دادگاه؛^۱ موهین بودن عرفی رفتار مزبور نیز باید در رأی صادره مورد تصریح قرار گیرد (محمدخانی، ۱۳۹۹: ۹). همچنین، توهین مذکور در ماده ۴۹۹ قانون تعزیرات (الحاقی ۱۳۹۹). هم به صورت عملی و هم غیرعملی اعم از گفتاری و نوشتاری محقق خواهد شد. بنابراین، خواه مرتکب به صورت شفاهی یا نوشتاری به موضوعات مذکور در ماده اخیر توهین کند و خواه با کشیدن نقاشی و کاریکاتور و با نمایش و فیلم مبادرت به این امر نماید، رفتار او مشمول ماده مزبور خواهد بود.

البته، با توجه به اینکه قانون‌گذار در ماده ۶۰۸ قانون تعزیرات ۱۳۷۵، رفتارهایی را توهین دانسته است که از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک باشد، تنها توهین‌هایی را می‌توان مستوجب مجازات دانست که در حد استعمال الفاظ رکیک و فحاشی باشد (آقای‌نیا، ۱۳۹۶: ۲۵). بر این مبنا، لازم است که بین توهین کیفری و عدم رعایت ادب تفاوت گذاشت (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۹: ۴۸۶). بسیاری از رفتارهایی که عرفاً توهین محسوب می‌شوند، تنها نوعی بی‌ادبی هستند و نمی‌توان آن‌ها را توهین کیفری به حساب آورد. برای مثال اگر دانشجویی با صدای بلند با استاد خود صحبت کرده و یا روش تدریس او را صحیح نداند و یا به نشانه اعتراض کلاس را ترک کند، هرچند بتوان رفتار وی را در برخی از موارد، عدم رعایت ادب دانست؛ اما مشمول عنوان توهین کیفری نخواهد بود. همچنین کارمندی که رفتار مدیر خود و محکومی که رأی قاضی و شهروندی که روش حکومت‌داری مسئولین را نادرست می‌خواند، بر همین مبنا، مرتکب جرم نشده است. بنابراین، رابطه بین توهین و بی‌ادبی (عدم رعایت ادب) را می‌توان به این صورت مطرح نمود که هر نوع توهین کیفری، بی‌ادبی است؛ ولی هر نوع عدم رعایت ادب را نمی‌توان توهین کیفری دانست (محمدخانی، ۱۳۹۹: ۱۰).

بر همین مبنا، ماده ۴۹۹ مکرر قانون تعزیرات (الحاقی ۱۳۹۹) باید محدود به مواردی شود که مرتکب به صورت صریح و مشخص یکی از اقوام، ادیان یا مذاهب را مورد توهین خود قرار دهد و نمی‌توان آن را به کلیه اشکالی که دارای عدم رعایت ادب هستند، تسری داد. در موارد بسیاری، مردم از عبارت‌ها یا جوک‌هایی استفاده می‌کنند که هرچند گاه حاوی نوعی بی‌ادبی هستند، اما نمی‌توان آن‌ها را توهین به اقوام و مذاهب و ادیان دانست. شمول و تسلط حقوق کیفری بر تمامی روابط انسانی خلاف اصول و قواعد حاکم بر این رشته حقوقی و نیز خاصیت محدود و استثنائی آن است و نباید اجازه داد که حقوق کیفری وارد تمامی لایه‌های زندگی مردم و روابط آن‌ها شود. بیان جوک‌ها و لطیفه‌ها جزئی از فرهنگ ایرانی است و از قدیم‌الایام و در میان کتب بزرگان تا امروز

۱. برای نمونه، ر.ک: حکم شماره ۱۵۶۵-۱۳۱۹/۵/۱۷، شعبه پنجم دیوان عالی کشور؛ مصلاهی، ۱۳۸۱، ص ۲۹۹.

وجود داشته و حتی افراد متعلق به یک قوم، لطیفه‌های مربوط به قوم خود را ذکر کرده و موجب انبساط خاطر یکدیگر می‌شوند. بنابراین نباید ماده مذکور را به چنین مواردی تسری داد و حقوق کیفری را به آداب و رسوم مردم مسلط نمود. اگر هدف این ماده حمایت از اقوام است، بسیاری از این موارد، خود ذیل فرهنگ اقوام قرار دارند، گرچه ممکن است چنین فرهنگی هر از گاهی آماج برخی انتقادات قرار گیرد.

افزون بر این، انتقاد و نیز بررسی‌های اجتماعی و تاریخی مربوط به منشأ ادیان، مذاهب، اقوام و تاریخچه آنان را نمی‌توان توهین دانست. بدیهی است، هرچند توهین از جمله استثنائات آزادی بیان محسوب می‌شود، اما نباید ارکان جرم مزبور را به گونه‌ای تفسیر نمود که بر اصل آزادی غلبه کرده و از حالت استثنائی خود خارج گردد. انتقاد و بررسی پیدایش، احکام و تاریخ مربوط به یک دین یا مذهب و یا قوم، متفاوت از توهین به آن‌هاست؛ هرچند نتیجه تحقیق و انتقاد مزبور با اصول پذیرفته شده آن دین، مذهب و یا قوم مغایر باشد. بنابراین برای نمونه، اگر فردی بیان کند که فلان قوم شناخته شده ایرانی، منشأ غیرایرانی دارد و یا آموزه‌های فلان دین یا مذهب رسمی با کتاب مقدس آن دین مغایر است، نمی‌توان وی را مرتکب توهین دانست؛ امری که در تبصره ۴ ماده ۵۰۰ مکرر قانون تعزیرات (الحاقی ۱۳۹۹) مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است: امور آموزشی و پژوهشی و سایر اقدامات مشابه به منظور رد و طرد و پاسخگویی به شبهات و نقد عقاید گروه‌های موضوع این ماده از شمول حکم ... ماده (۴۹۹ مکرر) این قانون خارج است.

در قوانین کشورهای اسلامی مورد بحث نیز رفتارهای مجرمانه کمابیش مشابهی پیش‌بینی شده‌اند که عبارت‌اند از:

در لیبی: اخلال یا ممانعت در اجرای مناسک مذهبی و یا هتک حرمت بناهایی که برای مناسک مذهبی است (ماده ۲۸۹ قانون مجازات لیبی ۱۹۵۴)^۱؛ چاپ یا انتشار کتابی که نزد پیروان یک از ادیان مقدس باشد، منوط به اینکه متن کتاب عمداً به نحوی تحریف شده باشد که معنای آن تغییر کند یا تقلید از مراسم مذهبی در محفل عمومی با قصد تمسخر یا سرگرم کردن حضار (ماده ۲۹۰ قانون مذکور)^۲ و توهین علنی به دین اسلام که طبق

۱. ماده ۲۸۹ قانون العقوبات ۱۹۵۴ م. (لیبی) (التعرض لإقامة الشعائر الدينية وإهانة المقدسات): «يعاقب بالحبس مدة لا تزيد على سنة أو بغرامة لا تتجاوز خمسين ديناراً كل من شوش على إقامة شعائر دينية تؤدي علانية أو على احتفال ديني خاص بها أو عطائها بالعنف أو التهديد. ويعاقب بالعقوبات ذاتها كل من خرب أو كسر أو أتلف أو دنس مباني معدة لإقامة شعائر دينية أو أشياء أخرى لها حرمة عند أبناء ملة أو فريق من السكان».

۲. ماده ۲۹۰ قانون العقوبات ۱۹۵۴ م. (لیبی) (التعدي على الأديان): «يعاقب بالعقوبات المنصوص عليها في المادة السابقة كل من اعتدى بإحدى طرق العلانية على أحد الأديان التي تؤدي شعائرها علناً، ويقع تحت حكم هذه المادة: أولاً: طبع أو نشر كتاب مقدس في نظر أهل دين من الأديان التي تؤدي شعائرها إذا حُرف عمداً نص هذا الكتاب تحريفاً يغير معناه. ثانياً: تقليد احتفال ديني أو شعيرة دينية في مجتمع عام بقصد السخرية أو لتسليّة الجمهور».

قانون اساسی لیبی دین رسمی دولتی است یا استفاده از الفاظ ناشایست نسبت به ذات الهی، رسول خدا ﷺ و یا یکی از انبیاء ﷺ (ماده ۲۹۱ همان قانون).

در مصر: سوءاستفاده از دین خواه به صورت شفاهی، کتبی یا به هر وسیله دیگر برای ترویج عقاید افراطی (ماده ۹۸ (و) قانون مجازات مصر ۱۹۳۷)؛^۱ اخلال در اجرای مناسک دینی یا بر هم زدن آن با خشونت یا تهدید و یا هتک حرمت بناهایی که برای مناسک مذهبی است یا برای گروهی از مردم مقدس است (ماده ۱۶۰ همان قانون)^۲ و چاپ یا انتشار کتابی که برای پیروان یکی از ادیان مقدس است، در صورتی که متن کتاب عمداً به گونه‌ای تحریف شده باشد که معنای آن تغییر کند یا تقلید از مراسم مذهبی در مکان عمومی یا اجتماع عمومی با قصد تمسخر یا سرگرم کردن حضار (ماده ۱۶۱ قانون یاد شده).^۳

در الجزایر: توهین به یک یا چند نفر به دلیل تعلق آن‌ها به قوم یا فرقه یا مذهب خاص (ماده ۲۹۸ مکرر قانون مجازات الجزایر ۱۹۶۶ میلادی (اصلاحی ۲۰۰۱))^۴ و در افغانستان: اهانت به یکی از ادیان یا اخلال در شعار آن‌ها (ماده ۳۲۳ کود جزا افغانستان ۱۳۹۵ ش)؛ اخلال در برگزاری مراسم دینی یکی از ادیان (بند (۱) ماده ۳۲۴ قانون مزبور)؛ توهین به معتقدات یا احکام دین مقدس اسلام یا تحریف آن‌ها و یا توهین یا تجاوز به پیرو یکی از ادیان که مراسم دینی خود را در حدود قانون اجرا می‌کند (ماده ۳۲۵ قانون اخیر). باید توجه داشت که ماهیت این رفتارهای مجرمانه به گونه‌ای است که همگی با رفتار ایجابی (فعل) قابل تصور هستند و در واقع، ترک فعل ممکن نیست باعث تحقق عنصر مادی جرائم مذکور شود.

۱. المادة ۹۸ (و) قانون العقوبات ۱۹۳۷م. (مصر): «يعاقب بالحبس مدة لا تقل عن ستة أشهر و لا تجاوز خمس سنوات أو بغرامة لا تقل عن خمسمائة جنيه و لا تجاوز ألف جنيه كل من استغل الدين في الترويج بالقول أو بالكتابة أو بأية وسيلة أخرى لأفكار متطرفة بقصد إثارة الفتنة أو تحقير أو ازدراء أحد الأديان السماوية أو الطوائف المنتمية إليها أو الإضرار بالوحدة الوطنية».

۲. المادة ۱۶۰ قانون العقوبات ۱۹۳۷م. (مصر): «يعاقب بالحبس و غرامة لا تقل عن مائة جنيه و لا تزيد على خمسمائة جنيه أو بإحدى هاتين العقوبتين: أولاً - كل من شوش على إقامة شعائر ملة أو احتفال ديني خاص بها أو عطّلها بالعنف أو التهديد. ثانياً - كل من خرب أو كسر أو أتلف أو دنس مباني معدة لإقامة شعائر دين أو رموزاً أو أشياء أخرى لها حرمة عند أبناء ملة أو فريق من الناس؛ ثالثاً - كل من انتهك حرمة القبور أو الجبانات أو دنسها. ...».

۳. المادة ۱۶۱ قانون العقوبات ۱۹۳۷م. (مصر): «يعاقب بتلك العقوبات على كل تعد يقع بإحدى الطرق المبينة بالمادة ۱۷۱ على أحد الأديان التي تؤدي شعائرها علناً. ويقع تحت أحكام هذه المادة: (أولاً) طبع أو نشر كتاب مقدس في نظر أهل دين من الأديان التي تؤدي شعائرها علناً إذا حرف عمداً نص هذا الكتاب تحريفاً يغير من معناه. (ثانياً) تقليد احتفال ديني في مكان عمومي أو مجتمع عمومي بقصد السخرية به أو ليتفرج عليه الحضور».

۴. المادة ۲۹۸ مكرر قانون العقوبات ۱۹۶۶م. (الجزائر؛ معدلة ۲۰۰۱): «يعاقب على السب الموجه إلى شخص أو أكثر بسبب انتمائهم إلى مجموعة عرقية أو مذهبية أو إلى دين معين بالحبس من خمسة (۵) أيام إلى ستة (۶) أشهر وبغرامة من ۵,۰۰۰ إلى ۵۰,۰۰۰ دج أو بإحدى هاتين العقوبتين».

۲-۲. موضوع جرم

موضوع جرم ماده ۴۹۹ مکرر قانون تعزیرات (الحاقی ۱۳۹۹). ادیان الهی، مذاهب رسمی و نیز قومیت‌های ایرانی است که نباید توهین به افراد متعلق به آن‌ها را مساوی با توهین به دین و مذهب و یا قوم دانست. هرچند افراد مزبور از بزرگان و مؤسسان موارد سه‌گانه فوق باشند؛ مگر آنکه توهین مزبور به معنای اهانت به اساس ادیان یا مذاهب و یا اقوام باشد. همچنین، توهین مرتکب باید دین یا مذهب و یا قوم را نشانه رود و توهین به یک شهر، منطقه و روستا را شامل نخواهد شد، هرچند تمام یا اکثریت افراد مزبور متعلق به یک دین، مذهب یا قومیت خاصی باشند. بنابراین اگر فردی به شهر تهران یا اصفهان توهین کند، مرتکب جرم حاضر نشده است؛ هرچند مردم ساکن در آن دو شهر متعلق به قوم فارس هستند. همچنان که توهین به یک شهر سنی‌نشین نیز توهین به مذهب اهل تسنن نخواهد بود. ضمن اینکه با توجه به تفسیر مضیق قوانین کیفری، توهین به مردم یک شهر یا استان را نیز نمی‌توان ذیل ماده فوق قرار داد؛ هرچند تمام یا اکثریت مردم آن شهر یا استان، متعلق به قوم مشخصی باشند. مانند آنکه مرتکب به صورت کلی به مردم تبریز، اصفهان یا ایلام توهین کند که توهین مزبور را نمی‌توان توهین به قوم ترک و فارس و کرد دانست. بر همین مبنا، توهین کلی به ایرانیان نیز ذیل ماده مورد بحث نخواهد بود، مانند آنکه فردی به کشور ایران یا قوم ایرانی (بدون نام بردن از یک قومیت خاص) توهین نماید.

در قوانین کیفری کشورهای اسلامی پیش‌گفته نیز موضوع جرم حسب مورد مناسک مذهبی، بناهای مورد استفاده برای مناسک مذهبی، کتاب مقدس برای یکی از ادیان، مراسم مذهبی، دین اسلام، ذات الهی، رسول خدا ﷺ (و یا یکی از انبیا به‌طور مشترک در لیبی و مصر)، قوم یا فرقه یا مذهب خاص (در الجزایر) و مراسم دینی، معتقدات یا احکام دین مقدس اسلام، پیرو یکی از ادیان که مراسم دینی خود را در حدود قانون اجرا می‌کند (در افغانستان) است که ممکن است حرمت آن‌ها به‌نوعی هتک گردد. البته برای تحقق توهین موضوع ماده ۴۹۹ مکرر قانون تعزیرات (الحاقی ۱۳۹۹) لازم نیست که مرتکب از واژه دین، مذهب و یا قوم استفاده کند، لذا اگر فردی در توهین خود به قوم فارس، از الفاظی مانند نژاد فارس استفاده کند، توهین محقق خواهد شد. در ادامه، موضوعات مذکور در این ماده مکرر را طی دو بند بررسی خواهیم کرد:

۲-۲-۱. ادیان و مذاهب رسمی

ادیان مصرح در قانون اساسی به صراحت اصل ۱۳ آن قانون، زردشتی و کلیمی و مسیحی است که شامل تمامی نحله‌های زیرمجموعه آن‌ها نیز خواهد شد. مطابق اصل مزبور: ایرانیان زرتشتی و کلیمی و مسیحی تنها

اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند. لازم به ذکر است، با وجود آنکه ادیان الهی منحصر در سه دین مذکور در اصل فوق نیست و احتمال الهی بودن ادیان دیگر نیز وجود دارد، قانون‌گذار در ماده ۴۹۹ مکرر قانون تعزیرات (الحاقی ۱۳۹۹). تنها توهین به ادیان الهی مصرح در قانون اساسی را جرم دانسته است. اما مطابق اصل ۱۲ قانون اساسی، مذاهب رسمی کشور، مذهب شیعه دوازده امامی، شیعه زیدی و نیز مذاهب چهارگانه حنبلی، حنفی، شافعی و مالکی است. مطابق قسمت اول اصل مزبور: «دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی‌الابد غیرقابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل هستند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند ...»

همچون بحث ادیان الهی، مذاهب اسلامی نیز منحصر در آنچه در اصل ۱۲ قانون اساسی آمده است، نیست، اما چون قانون‌گذار در ماده ۴۹۹ مکرر قانون تعزیرات (الحاقی ۱۳۹۹) تنها توهین به مذاهب مصرح در قانون اساسی را جرم دانسته است، توهین به مابقی مذاهب اسلامی، جرم نخواهد بود. چنین رویکردی قابل انتقاد است. زیرا اگر فلسفه جرم شناختن توهین به ادیان و مذاهب آنچنان که از ماده ۴۹۹ مکرر استفاده می‌شود، جلوگیری از خشونت و تنش در جامعه است، نباید امر مزبور منحصر در توهین به ادیان و مذاهب رسمی شود. بنابراین شایسته‌تر آن است که قانون‌گذار توهین به تمامی ادیان و مذاهب را به قصد ایجاد خشونت و تنش جرم‌انگاری کند.

۲-۲-۲. قومیت‌های ایرانی

موضع دیگری که توهین به آن، مشمول ماده ۴۹۹ مکرر قانون تعزیرات (الحاقی ۱۳۹۹) است، توهین به قومیت‌های ایرانی است. برخلاف ادیان و مذاهب مذکور در قانون اساسی که تعیین آن‌ها با توجه به ذکر در قانون اساسی به آسانی صورت می‌گیرد، تعیین قومیت‌های ایرانی آسان نیست. زیرا در هیچ‌یک از مقررات قانونی به نام و تعداد قومیت‌های ایرانی تصریح نشده است.^۱ از طرف دیگر، تفاوت بین قومیت و مفاهیمی مانند نژاد از مباحث پیچیده‌ای است که گاه نتیجه مشخصی در بر ندارد و همین امر تصویب ماده مذکور را قابل انتقاد می‌سازد که از

۱. در اصل ۱۹ قانون اساسی به واژه قوم اشاره شده است؛ بدون آنکه معنای آن مشخص گردد و جالب آنکه همراه با واژه مزبور، از کلمه قبیله نیز استفاده شده است. مطابق اصل مزبور: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود».

چنین مفاهیم مبهمی استفاده کرده است. برای مثال، هرچند واژه نژاد گاه در برابر قوم و هم‌عرض با آن ذکر شده است،^۱ اما در صورتی که واژه مزبور به صورت مطلق ذکر شود، شامل گروه‌های ملی، قومی و مذهبی نیز خواهد بود. مانند کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض نژادی^۲ که هرچند در اسم کنوانسیون تنها از عبارت تبعیض نژادی استفاده شده است، اما در متن آن، تبعیض نژادی به اعمال تبعیض بر مبنای نسل، قومیت، ملیت و مذهب تعریف شده است.

باری، قوم که در لغت به معنای گروه، مردم و خویشاوند است (معین، ۱۳۸۷: ۸۱۰). در جامعه‌شناسی از مفاهیم پیچیده‌ای است که تعریف مشخصی برای آن وجود ندارد (ر.ک: برتون، ۱۳۸۴: ۲۳۸-۲۳۴).^۳ در حقیقت، گروه‌های اجتماعی و قومی در مقوله مجموعه‌های گنگ قرار می‌گیرند که عناصر آن‌ها را نمی‌توان در زیر مجموعه مشخصی طبقه‌بندی نمود (ر.ک: برتون، ۱۳۸۴: ۲۶).^۴ اما در تلاش برای تعریف گروه قومی، مطابق تعریف یکی از دادگاه‌های بین‌المللی، گروه قومی، گروهی است که اعضای آن دارای زبان و فرهنگ مشترک هستند (Kayishema & Ruzindana, 1999: 98). همین دادگاه در پرونده‌ای دیگر، گروه نژادی را بر مبنای خصوصیات فیزیکی تعریف کرده است. مطابق این نظر: تعریف گروه نژادی بر مبنای خصوصیات فیزیکی ارثی است که غالباً با یک منطقه جغرافیایی و بدون ارتباط با عوامل زبانی، فرهنگی، ملی یا مذهبی شناخته می‌شود (Akayesu, 1998: 514).

با وجود این، تلاش برای تعریف گروه‌های قومی در دادگاه‌های بین‌المللی گاه کار را پیچیده‌تر کرده است، زیرا تعریف گروه قومی به گروهی دارای زبان و فرهنگ مشترک نتوانسته موجب تمیز گروه‌های مشخص و پذیرفته‌شده از گروه‌های دیگر شود (ر.ک: کرایر و دیگران، ۱۳۹۶: ۷۷) و همین امر ادعای برخی نویسندگان در مورد گنگ بودن این گروه‌ها (برتون، ۱۳۸۴: ۲۶) را ثابت می‌کند. بر همین مبنا، دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا در قضیه موسما معتقد است که در حال حاضر تعاریف دقیقی که به صورت عمومی و بین‌المللی از مفهوم گروه‌های مشمول

۱. برای مثال، نک: ماده ۲ کنوانسیون نسل‌کشی (مصوب ۱۹۴۸) که متن آن در اساسنامه محاکم کیفری بین‌المللی رواندا، یوگسلاوی سابق و نیز دادگاه کیفری بین‌المللی عیناً ذکر شده است.

2. International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination (ICERD) 1965

۳. برای دیدن برخی از این تعاریف، ر.ک: احمدی، ۱۳۸۶، ۳۹-۲۹.

۴. به طور کلی دو نظریه عمومی در مورد قومیت وجود دارد که مطابق نظریه پیشینه‌گرایی، قومیت مفهومی تاریخی است؛ حال آنکه از در نظریه سازه‌گرایی، قومیت نه یک واقعیت تاریخی و بلکه یک پدیده تغییرپذیر و قالا دستکاری است. ر.ک: کوردل، کارل و ولف، استفان، ۱۳۹۳، ۲۳-۳۲.

کنوانسیون نسل‌کشی (و ازجمله گروه قومی) وجود ندارد و هرکدام از این مفاهیم در پرتو چارچوب خاص فرهنگی، اجتماعی و سیاسی باید ارزیابی گردد (Mussema, 2000: 161). بنابراین، با توجه به اینکه تشکیل یک گروه قومی، فاقد سازوکار رسمی و دلایل و شواهد روشن است، اگر تشخیص این گروه‌ها منوط به بررسی علمی و تاریخی وجود آن‌ها باشد، راه را برای بحث‌های ایدئولوژیکی، تاریخی و مذهبی که گاه نتیجه روشنی نیز ندارند، باز خواهد کرد. بدین معنا که مرتکب پس از ارتکاب رفتار خود، چنین ادعا می‌کند که موضوع توهین او، قوم محسوب نشده و یا از نظر تاریخی متعلق به سرزمین ایران نیست. بنابراین بهترین راه برای تشخیص یک گروه قومی، استفاده از تمامی اوضاع و احوال و قرائن موجود در پرونده است که با احاله آن‌ها به عرف می‌توان وجود یا عدم وجود گروه را تشخیص داد. به این صورت که دادگاه با توجه به سابقه تاریخی، وضعیت جغرافیایی، ویژگی‌های ظاهری افراد و نیز درک عرفی قربانیان و دیگر مردم یک منطقه یا کشور، به این نتیجه می‌رسد که آیا یک گروه قومی وجود دارد و یا خیر؟

بر این اساس، آنچه یک گروه را مشخص می‌کند، مجموعه‌ای از موارد فوق و البته با رجوع دادگاه به عرف است. برای مثال، همین که گُردها یا ترک‌ها در ایران یک گروه قومی شناخته می‌شوند و این مطلب در میان مردم پذیرفته شده است، کافی در وجود گروه‌های قومی مزبور است و لازم نیست که دادگاه با استفاده از انسان‌شناسان یا سوابق تاریخی و پزشکی، ایرانی بودن این گروه‌ها را ثابت کند.

۲-۳. نتیجه جرم

نتیجه از نظر حقوق کیفری، پیامدی است که از رفتار مرتکب حاصل می‌شود؛ به طوری که بین رفتار مجرمانه و پیامد مزبور رابطه علیت باشد. توهین به طور کلی ازجمله جرائم مطلق است. جرائم مطلق جرائمی هستند که نیازی به تحقق نتیجه ندارند و با ارتکاب رفتار و احیاناً شروط جرم، محقق می‌گردند. در توهین نیز صرف ارتکاب رفتار مجرمانه و انصراف آن به یک انسان زنده کافی در تحقق جرم است؛^۱ بدون آنکه نیازمند حصول نتیجه‌ای خاص باشد.^۲ لذا ناراحت شدن یا نشدن بزه‌دیده، کسر شأن و صدمه به حیثیت او و یا هر نتیجه مشخص دیگری، شرط

۱. البته، در برخی مصادیق از توهین کیفری، ازجمله توهین به امام خمینی (ع) موضوع ماده ۵۱۴ قانون تعزیرات ۱۳۷۵، موضوع اهانت لازم نیست انسان زنده باشد.

۲. اما برخی با تفکیک بین جرم ضرر و خطر از یکدیگر اظهار داشته‌اند که نتیجه جرم اهانت آن است که به حیثیت و موقعیت اجتماعی مجنی علیه لطمه وارد شود. اما لازم نیست که عملاً به حیثیت و موقعیت مجنی علیه لطمه وارد شده باشد. زیرا جرم اهانت جرم ضرر نیست، بلکه جرم خطر است و در جرم خطر گفته می‌شود، همین که انتساب امری به دیگری، صلاحیت لطمه زدن را داشته باشد، کفایت می‌کند؛ زراعت، ۱۳۹۴، ۳۸۶-۳۸۵.

تحقق جرم نیست.^۱ مطلق بودن جرائمی مانند توهین، امری مورد پذیرش است. زیرا خاصیت غیرمحسوس مفاهیمی مانند حیثیت، شأن، آبرو، اذیت شدن، ترسیدن و مانند آن‌ها، با ویژگی عینی عنصر مادی که امری خارجی و قابل ارزیابی است، هم‌خوانی ندارد (محمدخانی، ۱۳۹۹: ۲۱-۲۰).

باوجوداین، قانون‌گذار در ماده ۴۹۹ مکرر قانون تعزیرات (الحاقی ۱۳۹۹) با ذکر عبارت چنانچه ... منجر به خشونت یا تنش شده باشد به حبس و جزای نقدی درجه پنج یا یکی از آن دو محکوم و در غیر این صورت به حبس و جزای نقدی درجه شش یا یکی از آن دو محکوم می‌شود، دو حالت مقید به نتیجه و مطلق را برای این جرم پیش‌بینی کرده است که در حالت مقید آن، سعی داشته است که پیامدهایی مادی و قابل ارزیابی را به‌عنوان نتیجه بیان کند؛ هرچند به شرحی که خواهیم دید، نتایج مزبور، اموری مبهم هستند و همین امر احراز آن‌ها را با مشکل جدی مواجه خواهد کرد. اما معنای خشونت و تنش به‌عنوان نتایج جرم موضوع ماده فوق چیست؟ برای مثال، آیا منجر شدن توهین به دعوای بین دو یا چند نفر که موجب صدمات خفیف شود، خشونت است؟ آیا تنش با خشونت متفاوت است و مثال فوق را می‌توان ذیل تنش قرار داد؟ اگر توهین، تنها منجر به دعوای بدون صدمه شود و یا برای نمونه موجب شکستن شیشه چند مغازه گردد، تنش محقق است؟ آیا راهپیمایی و یا گردهمایی مسالمت‌آمیز افراد متعلق به یک قوم یا مذهب در مورد توهین به آن‌ها را می‌توان تنش و یا خشونت دانست یا آنکه در تنش و خشونت حتماً باید صدماتی وارد آید و یا کسب‌وکاری تعطیل گردد؟

چنین پرسش‌هایی و مسائل بسیار دیگری که ذیل همین بحث قابل طرح است، نشان می‌دهد که استفاده قانون‌گذار از دو واژه فوق به‌عنوان نتیجه جرم که دارای معانی متعدد و نیز دامنه و طیف گسترده‌ای از رفتارهاست، قابل انتقاد و در تقابل با وظیفه اصلی قانون‌گذاری در تصویب قوانین صریح و شفاف در حقوق کیفری است. امری که نشانگر لزوم دخالت حقوق‌دانان ماهر در فرآیند تصویب قوانین کیفری است؛ زیرا چه‌بسا کلمات و عباراتی که در ذهن نویسندگان غیر حقوق‌دان روشن و صریح است، اما در عمل مشکلات بسیاری برای قضات و وکلا و مردم ایجاد نماید.

۱. باوجوداین، گاهی اوقات جرم توهین به‌طور استثنایی منوط به اذیت شدن مخاطب دانسته شده است. در این راستا، ماده ۲۵۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «کسی که به قصد نسبت دادن زنا یا لواط به دیگری، الفاظی غیر از زنا یا لواط به کار ببرد که صریح در انتساب زنا یا لواط به افرادی از قبیل همسر، پدر، مادر، خواهر یا برادر مخاطب باشد، نسبت به کسی که زنا یا لواط را به او نسبت داده است، محکوم به حد قذف و درباره مخاطب اگر به علت این انتساب اذیت شده باشد، به مجازات توهین محکوم می‌گردد».

برای تفسیر صحیح این امر مطابق اصول حقوق کیفری باید به معانی عرفی خشونت و تنش توجه نمود. بنابراین، برای تحقق خشونت، لزوماً باید صدمه، ضرب و جرح و یا تخریب محقق شود که البته این امر باید در حدی باشد که بتوان آن را از نظر عرفی خشونت نامید. مانند آنکه توهین مرتکب، موجب منازعه بین چند نفر و قتل یکی از آن‌ها گردد و یا منجر به یک راهپیمایی افراد یک قوم و تخریب اموال عمومی و خصوصی در مقیاسی وسیع شود. قانون‌گذار در بند (الف) ماده ۱ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم (اصلاحی ۱۳۹۷) قتل، سوء قصد، رفتارهای منجر به صدمات جسمانی شدید، توقیف غیرقانونی و گروگان‌گیری را به عنوان مصادیق اقدامات خشونت‌آمیز ذکر کرده است. مطابق بند (الف): «ارتکاب یا تهدید به ارتکاب هرگونه اقدام خشونت‌آمیز از قبیل قتل، سوء قصد، اقدام خشونت‌آمیز منجر به آسیب جسمانی شدید که دیه آن بیش از یک‌سوم دیه کامل باشد، توقیف غیرقانونی و گروگان‌گیری اشخاص ...».

مقرر مزبور نشان می‌دهد که از نظر قانون‌گذار، خشونت وصفی است که قابل تطبیق بر قتل و صدمات شدید علیه تمامیت جسمانی اشخاص و نیز جرائم علیه آزادی رفت و آمد مانند توقیف غیرقانونی و آدم‌ربایی است. بر همین اساس، نتیجه مذکور در ماده ۴۹۹ مکرر قانون تعزیرات (الحاقی ۱۳۹۹) نیز باید منجر به نتایجی این‌چنینی گردد و صرف تحقق صدمات خفیف موجب تحقق جرم حاضر نخواهد شد.

اما مراد از تنش، یک بحران فراگیر است؛ به‌طوری‌که بتوان عرفاً آن را تنش نامید. بر این اساس، صرف اعتراض‌ها و یا گردهمایی‌های مسالمت‌آمیز و نیز تحصن و اعتصاب را نمی‌توان موجب تحقق جرم ماده مذکور دانست؛ مگر آنکه در حدی باشد که بتوان آن را بحران عمومی نامید. مؤید این استدلال، بند ۲ ماده ۲۲ پروتکل دوم کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه در خصوص حمایت از اموال فرهنگی در صورت بروز مخاصمه مسلحانه است که با توجه به تصویب آن در مجلس،^۱ از جمله مقررات لازم‌الاجرا محسوب می‌شود. مطابق بند مزبور: این پروتکل در وضعیت‌های آشوب و تنش داخلی مثل شورش و اعمال متخلفانه متفرق و پراکنده و سایر اعمال با ماهیت مشابه اعمال نخواهد شد. همان‌طور که مشخص است، پروتکل فوق، یکی از مصادیق تنش را شورش دانسته است که تأییدی دیگر بر جنبه عمومی این مفهوم است. بدیهی است، در صورت تردید در تحقق خشونت و تنش، مطابق اصل تفسیر به نفع متهم قوانین کیفری، دادگاه نتیجه را محقق نخواهد دانست؛ امری که در ماده ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز مورد تصریح قرار گرفته است. مطابق این ماده: «هرگاه وقوع جرم یا برخی از شرایط آن و یا

۱. قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به پروتکل دوم کنوانسیون ۱۹۵۴ میلادی (۱۳۳۳ هجری شمسی) لاهه در خصوص حمایت از اموال فرهنگی در صورت بروز مخاصمه مسلحانه (مصوب ۱۳۸۰).

هریک از شرایط مسئولیت کیفری مورد شبهه یا تردید قرار گیرد و دلیلی بر نفی آن یافت نشود حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود.»

در مقام مقایسه با کشورهای اسلامی لیبی، مصر، الجزایر و افغانستان باید گفت که جرائم توهین به ادیان، پیروان آن و یا قوم یا فرقه یا مذهب خاص در زمره جرائم مطلق قرار می‌گیرد که حصول نتیجه خاصی از آن‌ها ضرورت ندارد. اما اخلال در برگزاری مراسم مذهبی ممکن است به نتیجه مشخصی نظیر قتل یا جراحات، مثلاً به موجب بند (۲) ماده ۳۲۴ کود جزا افغانستان ۱۳۹۵ ش، منتهی شود که در این صورت، جرم ارتكابی از جرائم مقید به نتیجه محسوب می‌شود، لذا قاضی دادگاه باید حصول نتیجه موردنظر را بررسی کند.

۳. عنصر روانی توهین به قومیت‌های ایرانی، ادیان الهی و یا مذاهب اسلامی

همانند هر جرم عمدی دیگر، جرم موردبحث مستلزم سوءنیت عام است که قصد ارتكاب توهین به ادیان، مذاهب و یا یک قوم ایرانی است. نتیجه آنکه اگر مرتکب از موهین بودن رفتار خود آگاه نباشد یا از دین، مذهب یا قوم بودن آنچه به آن توهین کند، مطلع نباشد، دارای عنصر روانی نخواهد بود. مانند آنکه وی به دلیل سواد ضعیف خود از دین بودن زرتشتی آگاه نباشد و یا قومی را به تصور اینکه متعلق به کشور عراق است، مورد توهین قرار دهد که به دلیل جهل به اجزاء مرتبط با عنصر مادی، دارای سوءنیت نخواهد بود. علاوه بر سوءنیت عام، ماده ۴۹۹ مکرر قانون تعزیرات (الحاقی ۱۳۹۹) سوءنیت خاص را نیز لازم دانسته است که این سوءنیت، قصد ایجاد خشونت یا تشش است. این مورد نیز از جمله مواردی است که قانون‌گذار سوءنیت خاص را نه یک امر واحد و بلکه چند امر متعدد هم ارزش قرار داده است که قصد هر یک از آن‌ها می‌تواند عنصر روانی را محقق سازد؛ هرچند قصد هر دوی آن‌ها هم قابل تصور است. اما برای تحقق سوءنیت خاص این جرم نیازی نیست که مرتکب، قصد خشونت و تشش را با همین عناوین خاص داشته باشد، بلکه اگر مرتکب قصد کند که توهین وی منجر به قتل یا ضرب و جرح یا تظاهرات غیرمسالمت‌آمیز گردد، سوءنیت خاص وی شکل یافته است. همچنین اگر مرتکب قصد تحقق قتل از رفتار خود را داشته باشد، اما در عمل توهین وی منجر به ضرب و جرح گردد، سوءنیت خاص وی محقق شده است، زیرا قتل و ضرب و جرح هر دو ذیل عنوان خشونت قرار دارند و مرتکب در هر حال، قصد تحقق خشونت داشته است و اشتباه در مصادیق ضرری به قصد او نخواهد زد.

همچنین، قانون‌گذار به درستی، علم به تحقق نتیجه را جایگزین قصد آن دانسته و به این ترتیب برای علم و آگاهی شأنی هم‌ارز با قصد قائل شده است. این امر قابل تأیید است؛ زیرا سوءنیت به عنوان عنصر روانی جرائم

عمدی، متشکل از اراده رفتار به ضمیمه پذیرش نتایج آن است و زمانی که فردی رفتاری را اراده کند و هم‌زمان تمامی پیامدهای آن را بپذیرد، واجد عمد مجرمانه خواهد بود (محمدخانی، ۱۳۹۵: ۱۱۰). بر این مبنا، آگاهی از تحقق نتیجه همسان و هم ارزش با قصد تحقق نتیجه است و زمانی که فردی رفتاری را با آگاهی از تحقق نتیجه مرتکب می‌شود، نتیجه مزبور را پذیرفته است و همین امر برای تحقق عمد مجرمانه کافی خواهد بود. چنین امری منطبق بر ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ است، لذا حتی اگر قانون‌گذار در ماده ۴۹۹ مکرر قانون تعزیرات (الحاقی ۱۳۹۹) به چنین امری اشاره نمی‌کرد، نیز قسمت آخر ماده ۱۴۴ قانون پیش‌گفته که شامل تمامی جرائم مقید به نتیجه است، عنصر روانی جرم حاضر را نیز پوشش می‌داد. مطابق ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، در تحقق جرائم عمدی علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، باید قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه احراز گردد. در جرائمی که وقوع آن‌ها بر اساس قانون منوط به تحقق نتیجه است، قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود.

لازم به ذکر است، علم از نظر ماهیتی با احتمال متفاوت است و نمی‌توان به بهانه آنکه مرتکب با توهین به یک قوم یا دین، احتمال تنش و خشونت را می‌داده است، عنصر روانی او را ثابت دانست و بلکه لازم است که دادرس با استفاده از تمامی قرائن و اوضاع و احوال قضیه، آگاهی مرتکب از وقوع خشونت یا تنش را احراز نماید. در مقررات کیفری کشورهای اسلامی منتخب در این نوشتار نیز احراز سوءنیت عام ضرورت دارد، چراکه قطع نظر از اصل عمدی بودن جرائم، استفاده از واژه عمداً در این مقررات دلالت بر لزوم اثبات این جزء از عنصر روانی جرائم مربوط دارد. به موجب بند (۱) ماده ۳۹ کود جزا افغانستان ۱۳۹۵ش، قصد جرم عبارت است سوق دادن اراده فاعل به ارتکاب فعلی که جرم را به وجود می‌آورد. بنابراین، در درجه اول مرتکب باید از اراده ارتکاب یکی از رفتارهای مجرمانه پیش‌گفته برخوردار باشد که خود مستلزم علم و آگاهی به موضوع جرم است. پس در قوانین مجازات لیبی و مصر، هرگاه کسی کتابی که برای پیروان یکی از ادیان مقدس است را منتشر کند، ولی متن کتاب به‌طور غیرعمدی تحریف شده و معنای آن تغییر کرده باشد، سوءنیت عام مرتکب احراز نخواهد شد.

اما بررسی مقررات کیفری کشورهای لیبی، مصر، الجزایر و افغانستان نشان می‌دهد که سوءنیت خاص در جرائم مورد بحث اصولاً لازم نیست. با این حال، دو استثنا وجود دارد: در جرم سوءاستفاده از دین برای ترویج عقاید افراطی، به موجب قسمت آخر ماده ۹۸ (و) قانون مجازات مصر ۱۹۳۷، قصد فتنه‌انگیزی، تحقیر یکی از

ادیان آسمانی یا فرقه‌های متعلق به آن‌ها و یا لطمه زدن به وحدت ملی؛ و در تشدید مجازات مقرر در قسمت آخر ماده ۱۶۰ این قانون قصد ارباب (ترسانیدن) لازم دانسته شده است که به عنوان سوءنیت خاص تلقی می‌شوند.

۴. مجازات توهین به قومیت‌های ایرانی، ادیان الهی و یا مذاهب اسلامی و عوامل مشدده آن

به موجب ماده ۴۹۹ مکرر قانون تعزیرات (الحاقی ۱۳۹۹). مرتکب توهین قومیت‌های ایرانی، ادیان الهی و یا مذاهب اسلامی، چنانچه مشمول حد نباشد و منجر به خشونت یا تنش شده باشد، به حبس و جزای نقدی درجه پنج یا یکی از آن دو محکوم و در غیر این صورت، به حبس و جزای نقدی درجه شش یا یکی از آن دو محکوم می‌شود. عبارت «چنانچه مشمول حد نباشد» در این ماده، با توجه به ماده ۵۱۳ قانون تعزیرات ۱۳۷۵، حد سب نبی را تداعی می‌کند که احکام آن در مواد ۲۶۲ و ۲۶۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ پیش‌بینی شده است (آقای‌نیا و رستمی، ۱۴۰۰: ۱۳۷).

از چشم‌انداز رویکرد تطبیقی، در قوانین کشورهای اسلامی مورد مطالعه، توهین به مقدسات اسلامی و ادیان دیگر، یا توهین به قوم یا فرقه دیگر، حسب مورد مستوجب مجازات حبس و یا جزای نقدی دانسته شده است. توضیح بیش‌تر اینکه طبق مواد ۲۸۹ تا ۲۹۱ قانون مجازات لیبی ۱۹۵۴، در این کشور توهین به اسلام و یا هریک از انبیاء (مستوجب حبس حداکثر تا دو سال است)^۱ درحالی‌که این مجازات برای توهین و تعرض به ادیان دیگر، حبس تا یک سال و یا جزای نقدی تا پنجاه دینار است. به موجب مواد ۱۶۰ و ۱۶۱ قانون مجازات مصر ۱۹۳۷ و همچنین بند (و) ماده ۹۸ این قانون، در کشور مصر نیز انجام اعمال مجرمانه علیه ادیان مستوجب حبس و جزای نقدی از صد تا پانصد لیره، یا هر دو مجازات، دانسته شده است. البته، در قانون مجازات مصر ۱۹۳۷، در صورتی‌که این موارد جهت ترساندن و ارباب به کار گرفته شده باشد، مجازات تشدید می‌شود و مستوجب حبس تا پنج سال خواهد بود.^۲

در ماده ۲۹۸ مکرر قانون مجازات الجزایر ۱۹۶۶ (اصلاحی ۲۰۰۱) نیز توهین به یک یا چند نفر به دلیل تعلق آن‌ها به قوم یا فرقه یا مذهب خاص مستوجب حبس از پنج (۵) روز تا شش (۶) ماه و جزای نقدی از پنج هزار تا ۵۰ هزار دینار، یا یکی از این دو مجازات، است. سرانجام، به موجب مواد ۳۲۳ تا ۳۲۵ از کود جزا افغانستان

۱. ماده ۲۹۱ قانون العقوبات ۱۹۵۴م. (لیبی): «کل من اعتدى علانية على الدين الإسلامى الذى هو دين الدولة الرسمي بموجب دستور ليبيا أوفاه بالفاظ لا تليق بالذات الإلهية أو الرسول أو الأنبياء يعاقب بالحبس مدة لا تتجاوز السنتين».

۲. المادة ۱۶۰ قانون العقوبات ۱۹۳۷م. (مصر): «... و تكون العقوبة السجن الذي لا تزيد مدته على خمسة سنوات إذا ارتكبت أي من الجرائم المنصوص عليها في المادة ۱۶۰ تنفيذا لغرض إرهابي».

۱۳۹۵ش، مرتکب جرائم توهین به ادیان، اخلال شعائر یا مراسم و تجاوز به پیروان ادیان به واسطه قول یا فعل حسب مورد به حبس قصیر، جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی و یا حبس متوسط محکوم خواهد شد. البته، طبق بند (۲) ماده ۳۲۴ قانون اخیر، هرگاه به سبب اخلال در شعائر یا مراسم دینی یکی از ادیان که مطابق قانون انجام می‌دهند، قتل یا جراحت واقع شود، مرتکب حسب احوال به مجازات جرم قتل یا جرح عمدی محکوم می‌شود. اما مطابق تبصره ۲ ماده ۴۹۹ مکرر قانون تعزیرات (الحاقی ۱۳۹۹)، چنانچه جرم موضوع این ماده در قالب گروه مجرمانه سازمان‌یافته ارتکاب یابد و یا از سوی مأموران یا مستخدمان دولتی یا عمومی در حین انجام وظیفه یا به مناسبت آن واقع شود و یا از طریق نطق در مجامع عمومی یا با استفاده از ابزارهای ارتباط جمعی در فضای واقعی یا مجازی منتشر شود، مجازات مقرر به میزان یک درجه تشدید می‌شود. بنابراین از نظر قانون‌گذار ایران امور زیر موجب تشدید مجازات مرتکب خواهد شد:

۴-۱. ارتکاب توهین در قالب گروه مجرمانه سازمان‌یافته

مطابق تبصره ۱ ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، گروه مجرمانه عبارت است از گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم تشکیل می‌شود یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می‌گردد. با توجه به تبصره فوق، اگر توهین به اقوام، ادیان و مذاهب توسط گروهی با حداقل سه نفر محقق شود، مجازات مرتکب تشدید خواهد شد. لازم به ذکر است، برای تحقق تشدید بر این اساس، نیازی نیست که تمامی اعضای گروه اقدام به توهین نمایند، بلکه در صورتی که حتی یکی از آن‌ها در قالب برنامه‌ریزی گروه توهین کند، رفتار مجرمانه مرتکب مشمول مجازات مشدد خواهد شد و البته رفتار مابقی اعضای گروه نیز حسب مورد ذیل عنوان سردستگی مذکور در ماده ۱۳۰ قانون فوق و یا معاونت عادی قرار خواهد گرفت. همچنین، با توجه به وصف سازمان‌یافته در تبصره ۲ ماده ۴۹۹ مکرر قانون تعزیرات (الحاقی ۱۳۹۹) و عبارت نسبتاً منسجم در تبصره ۱ ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، گروهی را می‌توان ذیل عنوان تشدید قرار داد که اعضای آن دارای شرح وظایف مشخص و روابط معین باشند، هرچند داشتن اساسنامه کتبی و یا دفتر مرکزی و مانند آن شرط نخواهد بود.

۲-۴. ارتکاب توهین توسط مأموران یا مستخدمان دولتی یا عمومی در حین انجام وظیفه یا به مناسبت آن

کیفیت دیگری که موجب تشدید مجازات می‌شود، ارتکاب توهین توسط مأموران و مستخدمان دولتی (اعم از رسمی، پیمانی و یا قراردادی) و یا عمومی (مانند مأموران شهرداری‌ها) است، زمانی که در حین انجام وظیفه (خواه در اداره و یا در مأموریت خارج از اداره) صورت گیرد و یا در صورتی که در حین انجام وظیفه نیست، به مناسبت انجام وظیفه (وظیفه مربوط به مرتکب و نه سایر کارمندان) باشد. مانند آنکه شهردار یک شهر در صفحه‌ای که در فضای مجازی دارد، به یکی از اقوام ساکن در شهر به دلیل مشکلات مرتبط با شهرداری توهین کند. بنابراین، اگر توهین یک کارمند دولت، نه در زمان انجام وظیفه و نه مرتبط با آن باشد، مشمول تشدید مجازات نخواهد شد. لازم به ذکر است، تشدید مجازات بر اساس موضوع حاضر، تنها ناظر به مباشر توهین است. بنابراین اگر یکی از کارمندان در توهین انجام گرفته توسط دیگری معاونت نماید، نه رفتار معاون و نه مباشر مشمول تشدید مجازات نخواهد بود. همچنین، در صورتی که یک کارمند با مشارکت دیگری اقدام به توهین نماید، تنها مجازات کارمند، تشدید خواهد شد، زیرا تشدید حاضر از جمله کیفیات مشدده شخصی است (ر.ک: صانعی، ۱۳۸۲: ۷۶۳؛ اردبیلی، ۱۳۹۹: ۱۶۸؛ پوربافرانی، ۱۴۰۱: ۱۶۴) که تنها در حق صاحب آن وصف که کارمند است، اثر خواهد داشت.

۳-۴. ارتکاب توهین از طریق نطق در مجامع عمومی یا با استفاده از ابزارهای ارتباط جمعی در فضای واقعی یا مجازی

آخرین مورد از موارد تشدید مجازات زمانی است که مرتکب توهین خود را یا از طریق نطق در مجامع عمومی انجام دهد که در این حالت باید تعداد شنوندگان آن نطق، به صورتی باشد که نطق در مجامع عمومی (و نه در محافل خصوصی و محدود) صدق کند و یا مرتکب رفتار خود را از طریق ابزارهای ارتباط جمعی مانند تلویزیون، رادیو و یا شبکه‌های اجتماعی مجازی مانند اینستاگرام انجام دهد. باید توجه داشت، از آنجاکه منطبق تشدید مجازات بر اساس این قسمت، عمومی شدن توهین و تأثیر بیشتر آن در میان مردم است، مراد قانون‌گذار از فضای مجازی، استفاده از شبکه‌های اجتماعی با کاربران متعدد است، لذا اگر فردی پیام توهین آمیزی را برای دوست خود ارسال کند، رفتار وی مشمول مجازات مشدد نخواهد شد. اما اگر در گروهی عمومی در تلگرام به یکی از

اقوام یا ادیان توهین کند، رفتار وی در صورت حصول شرایط دیگر، جرم و موجب مجازات تشدید شده خواهد شد.

نتیجه‌گیری

اقدام قانون‌گذار ایران در جرم شناختن توهین به اقوام، ادیان و مذاهب به صورتی که در ماده ۴۹۹ مکرر قانون تعزیرات (الحاقی ۱۳۹۹) آمده است، قابل انتقاد است و در عمل می‌تواند منجر به مشکلات بسیاری برای دستگاه قضایی شود و حقوق افراد را با خطر جدی مواجه کند؛ زیرا صرف‌نظر از مشکلات مربوط به تشخیص توهین در این مورد، واژه اقوام ایرانی کلمه کاملاً مبهم است که تاب تفسیرهای متفاوت و متضاد بسیاری دارد که مطابق پیشنهادی که در مقاله حاضر ارائه شده است، دادرس باید با توجه به تمامی امور مرتبط با دعوا نظیر ساختار عرفی و قبیله‌ای و تاریخی موضوع، قومیت موضوع جرم را احراز کند، اما نباید در دام امور تاریخی مربوط به سابقه اقوام یا ارتباط آن‌ها با کشور ایران بیفتد.

همچنین، استفاده قانون‌گذار ایران از عبارات خشونت و تنش به‌عنوان نتایج مذکور در ماده فوق، نشانگر عدم توجه و تخصص نویسندگان متن ماده با اصول حقوقی است که در حقوق کیفری که ارزش‌های انسان را مورد حمله قرار می‌دهد، از چنین کلمات کاملاً مبهمی استفاده شده است. پیشنهاد در این موضع نیز آن است که دادرس خشونت و تنش را با امور عینی احراز کند و صرف تجمعات مسالمت‌آمیز را موجب تحقق نتیجه جرم حاضر نداند؛ همچنان که صرف درگیری‌های محدود را خشونت و تنش به حساب نیاورد. اما از نظر عنصر روانی، مرتکب باید علاوه بر آگاهی از موهن بودن گفتار یا رفتار خود و نیز علم به اینکه موضوع توهین وی ازجمله اقوام و ادیان و مذاهب است، قصد تحقق خشونت یا تنش از رفتار خود را داشته باشد یا بداند که رفتار وی موجب خشونت و تنش خواهد شد. بنابراین، صرف اینکه مرتکب احتمال تحقق خشونت و تنش را داده است، عنصر روانی لازم را محقق نخواهد کرد و دادرس مکلف به احراز قصد مرتکب و یا علم او به تحقق نتیجه است.

در پایان، لازم به ذکر است، اگر فلسفه جرم شناختن توهین به ادیان و مذاهب آنچنان که از ماده ۴۹۹ مکرر قانون مذکور استفاده می‌شود، جلوگیری از خشونت و تنش در جامعه است، نباید امر مزبور منحصر در توهین به ادیان و مذاهب رسمی شود و بنابراین شایسته‌تر آن است که قانون‌گذار ایران توهین به تمامی ادیان و مذاهب را به قصد ایجاد خشونت و تنش جرم‌انگاری کند. ضمن اینکه همان‌طور که در قوانین کیفری کشورهای اسلامی لیبی، مصر، الجزایر و افغانستان ملاحظه شد، چندان لزومی به جنبه امنیتی دادن به توهین به قومیت‌های ایرانی، ادیان

الهی و یا مذاهب اسلامی احساس نمی‌شود، به‌طوری‌که قانون‌گذار ایران می‌توانست ماده ۴۹۹ مکرر قانون تعزیرات را ذیل فصل پانزدهم از قانون تعزیرات ۱۳۷۵ (هتک حرمت اشخاص) بیاورد و در انتهای عنوان این فصل قیودی مانند «قومیت‌های ایرانی و ادیان الهی» را اضافه کند.

فهرست منابع

- احمدی، حمید (۱۳۸۶). قومیت و قوم‌گرایی در ایران. چاپ ششم، تهران: نشر نی.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۹). حقوق جزای عمومی. جلد ۳، چاپ بیست‌ویک، تهران: انتشارات میزان.
- آقایی‌نیا، حسین (۱۳۹۶). جرائم علیه اشخاص، شخصیت معنوی. تهران: انتشارات میزان.
- آقایی‌نیا، حسین و رستمی، هادی (۱۴۰۰). جرائم علیه مصالح عمومی کشور. چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- برتون، رولان (۱۳۸۴). قوم‌شناسی سیاسی. ترجمه: ناصر فکوهی، چاپ دوم، تهران: نشر نی.
- البستانی، فؤاد افرام (۱۳۷۲). المنجد الطلاب. ترجمه: محمد بندرریگی، چاپ نهم، تهران: انتشارات اسلامی.
- پاد، ابراهیم (۱۳۸۵). حقوق کیفری اختصاصی، جرائم نسبت به اشخاص. تهران: انتشارات دانشور.
- پوربافرانی، حسن (۱۴۰۱). حقوق جزای عمومی، واکنش جامعه علیه جرم. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- زراعت، عباس (۱۳۹۴). جرائم علیه اشخاص. چاپ سوم، تهران: انتشارات جنگل.
- صانعی، پرویز (۱۳۸۲). حقوق جزای عمومی. تهران: انتشارات طرح نو.
- کرایر، رابرت و همکاران (۱۳۹۶). درآمدی بر حقوق کیفری بین‌المللی. ترجمه: مجتبی جانی‌پور و مهین سبجانی، تهران: انتشارات جنگل.
- کوردل، کارل و ولف، استفان (۱۳۹۳). منازعه قومی. ترجمه: عبدالله رمضان‌زاده، تهران: نشر فرهنگ شناسی با همکاری نشر میزان.
- محمدخانی، عباس (۱۳۹۵). عنصر روانی جرم. جلد ۱، تهران: انتشارات میزان.
- محمدخانی، عباس (۱۳۹۹). جرائم علیه اشخاص، شخصیت معنوی. تهران: انتشارات سمت.
- مصلاهی، علیرضا (۱۳۸۱). قانون مجازات اسلامی در آراء دیوان عالی کشور. چاپ دوم، تهران: نشر ادبستان.
- معین، محمد (۱۳۸۷). فرهنگ فارسی. تهران: انتشارات فرهنگ نما با همکاری انتشارات آزاد.
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۹). جرائم علیه اشخاص. چاپ بیست‌ونهم، تهران: انتشارات میزان.
- اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب (۱۰ دسامبر ۱۹۴۸)، مجمع عمومی سازمان ملل.
- اعلامیه حقوق بشر اسلامی قاهره مصوب (۵ اوت ۱۹۹۰).
- اعلامیه حقوق بشر و شهروند مصوب (۲۶ اوت ۱۷۸۹)، مجلس مؤسسان فرانسه.
- اعلامیه کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر مصوب (۱۹۶۸)، تهران.
- قرارداد بین‌المللی رفع هرگونه تبعیض نژادی مصوب (۲۱ دسامبر ۱۹۶۵)، مجمع عمومی سازمان ملل متحد.
- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب (۱۶ دسامبر ۱۹۶۶)، مجمع عمومی سازمان ملل.

قانون مجازات لیبی (۱۹۵۴م).

قانون مجازات مصر (۱۹۳۷م). (آخر تعديل: ۱۵ أغسطس ۲۰۲۱ بالقانون ۱۴۱ لسنة ۲۰۲۱ م.).

قانون مجازات الجزایر (۱۹۶۶م). (آخر تعديل: ۱۸ ربيع الأول عام ۱۴۳۷ الموافق ۳۰ ديسمبر ۲۰۱۵ م.).

کود جزای افغانستان (۱۳۹۵ش).

References

- The Prosecutor v. Alfred Musema, Case No. ICTR-96-13-A, Judgement, 27 January 2000.
The Prosecutor v. Jean-Paul Akayesu, Case No. ICTR-96-4-T, Judgement, 1998.
The Prosecutor v. Kayishema and Ruzindana, Case No. ICTR-95-1-T, Judgement, 1999.